

**تفاهم نامه بانک انصار و دانشگاه پیام نور**

بانک انصار و دانشگاه پیام نور تفاهم‌نامه‌ای ۷‌ماده‌ای را با هدف حمایت و کمک به دانشجویان دانشگاه پیام نور در تمام مقاطع تحصیلی از طریق تأمین بخشی از هزینه‌های دوران تحصیل دانشجویان و ارائه خدمات بانکی امضاء کردند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، دکتر ابراهیمی مدیر عامل بانک انصار و دکتر محمدرضا زمانی رییس دانشگاه پیام نور طی دیداری در محل دانشگاه پیام نور ضمن تأکید بر لزوم توسعه همکاری‌های دو جانبه، تفاهم‌نامه‌ای یکساله را که بر اساس آن اعطای تسهیلات قرض الحسنه به دانشجویان در سقف هزینه شهری به ثبت‌نام و شروط دیگر مندرج در تفاهم‌نامه صورت می‌گیرد امضاء کردند. شایان ذکر است که در نشست مسئولان بانک انصار و دانشگاه پیام نور طرفین از وجود زمینه‌های مشترک همکاری سخن گفته و بر لزوم استفاده از این زمینه‌ها در راستای ارتقای تحصیلی هموطنان عزیز و به ویژه دانشجویان کم بضاعت تأکید کردند.

**امکان توثیق اوراق خزانه زرین سپهر**

رئیس اداره کل تحقیقات و برنامه‌ریزی بانک صادرات ایران از تکمیل ظرفیت فاز اول صدور گواهی سپرده سکه طلا (خزانه زرین سپهر) خبر داد و گفت: دریافت مجوز از بورس کالای ایران برای افزایش ظرفیت پذیرش تا ۸۰ هزار قطعه سکه در سایر استان‌های کشور در دستور کار است. به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران غلامرضا طالبیان گفت: با استقبال گسترده مشتریان و هموطنان از اوراق گواهی سپرده سکه طلا (خزانه زرین سپهر) بانک صادرات ایران و تکمیل ظرفیت زودتر از پیش‌بینی‌ها، افزایش ظرفیت برای پذیرش سکه تا ۸۰ هزار قطعه به صورت جدی پیگیری می‌شود. وی افزود: امکان توثیق این اوراق برای دریافت تسهیلات از بانک صادرات ایران نیز فراهم شده و دارندگان این اوراق می‌توانند از این امکان برای افزایش ارزش افزوده دارایی‌های خود استفاده کنند. طالبیان بیان اینکه این طرح در فاز اول در ۵ استان بزرگ کشور اجرا شده گفت: با عبور از مرز ۱۶ هزار قطعه تا اواخر هفته گذشته، پیش‌بینی می‌شود در این هفته ظرفیت پذیرش ۲۰ هزار قطعه سکه و صدور اوراق گواهی سپرده آن تکمیل شود.

رئیس اداره کل تحقیقات و برنامه‌ریزی بانک صادرات ایران از تکمیل ظرفیت فاز اول صدور گواهی سپرده سکه طلا (خزانه زرین سپهر) خبر داد و گفت: دریافت مجوز از بورس کالای ایران برای افزایش ظرفیت پذیرش تا ۸۰ هزار قطعه سکه در سایر استان‌های کشور در دستور کار است. به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران غلامرضا طالبیان گفت: با استقبال گسترده مشتریان و هموطنان از اوراق گواهی سپرده سکه طلا (خزانه زرین سپهر) بانک صادرات ایران و تکمیل ظرفیت زودتر از پیش‌بینی‌ها، افزایش ظرفیت برای پذیرش سکه تا ۸۰ هزار قطعه به صورت جدی پیگیری می‌شود. وی افزود: امکان توثیق این اوراق برای دریافت تسهیلات از بانک صادرات ایران نیز فراهم شده و دارندگان این اوراق می‌توانند از این امکان برای افزایش ارزش افزوده دارایی‌های خود استفاده کنند. طالبیان بیان اینکه این طرح در فاز اول در ۵ استان بزرگ کشور اجرا شده گفت: با عبور از مرز ۱۶ هزار قطعه تا اواخر هفته گذشته، پیش‌بینی می‌شود در این هفته ظرفیت پذیرش ۲۰ هزار قطعه سکه و صدور اوراق گواهی سپرده آن تکمیل شود.

**داد و ستد سهام در شعب بانک صادرات**

خدمات کارگزاری معاملات بورس اوراق بهادار در شعب منتخب بانک صادرات ایران عملیاتی شد و مشتریان و فعالان بازار سرمایه می‌توانند با مراجعه به این شعب نسبت به داد و ستد سهام و سایر اوراق بهادار بورس اقدام کنند. به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، این بانک در راستای ایجاد سوپرمارکت مالی و تکمیل سبد محصولات و خدمات بانکی و فرایانکی با همکاری شرکت کارگزاری بانک اقدام به ارائه خدمات معاملات اوراق بهادار کرده و در فاز نخست ۵۰ شعبه منتخب بانک امکان دریافت کد بورسی، دریافت حساب کاربری معاملاتی برخط، ثبت دستور خرید و فروش سهام و همچنین مشاوره‌های مالی را برای فعالان بازار سرمایه فراهم آورده و با توجه به اهمیت و گستردگی شعب این بانک در سراسر کشور، نقش برجسته‌ای در هدایت نقدینگی به سمت بازار سرمایه در فازهای بعدی برعهده خواهند داشت.

**اقتصاد کلان**

**سیف «مشاور امور پولی و بانکی» روحانی شد**

کاربران توییت داغ شد. به گزارش مشرق؛ تا کنون واکنش‌های کاربران به این تصمیم حسن روحانی متفاوت بوده است؛ برخی آن را پیشدستی رئیس جمهور برای مصونیت بخشی به سیف در برابر برخورد احتمالی قضایی با وی دانسته‌اند، برخی دیگر آن را به حمایت‌نمادین روحانی از تصمیمات ارزی و... ولی الله سیف تعبیر کرده‌اند و عده‌ای نیز با توییت‌های طنزآلود واکنش نشان داده‌اند.

رئیس‌جمهور در حکمی دکتر «ولی الله سیف» را به عنوان «مشاور رئیس‌جمهور در امور پولی و بانکی» منصوب کرد. گزارش ایسنا، متن حکم حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی به شرح ذیل است: «بسم الله الرحمن الرحیم، جناب آقای دکتر ولی الله سیف، نظر به مراتب تعهد، توان علمی و سوابق مدیریتی جنابعالی، به موجب این حکم به عنوان «مشاور رئیس‌جمهور در امور پولی و بانکی» منصوب می‌شوید. امید

است با توفیق الهی در خدمت به ملت شریف ایران و نظام جمهوری اسلامی با رعایت اصول قانون‌مداری، اعتدال‌گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید موفق باشید». **واکنش‌ها به حکم روحانی برای سیف** «هشتگ #محاکمه\_سیف» که پس از برکناری سیف به راه افتاده بود، بار دیگر و پس از حکم رئیس‌جمهور برای او، در میان



**دکتر حسن سبحانی از شرایط آشفته اقتصاد انتقاد کرد؛**

**«راحت خوری» آفت اقتصاد**



را جواب می‌دهد. منتهی هستند کسانی که یا درآمد ندارند یا کسر درآمد دارند. در موارد خاصی می‌شود به مصرف‌کننده برای خرید کردن هم تسهیلاتی داد و آن زمانی است که شما تولیدتان بسیار خوب است و ابزارها پر شده و تولیدکنندگان بدلیل اینکه متقاضی نیست تولید نمی‌کنند و نگرانی از بیکاری یک عده وجود دارد در این صورت می‌توان بخش تقاضا را تا حدودی تشویق کرد.

**ایراد کار جاست؟**

نکته‌ای که فرمودید کاری است که در دولت دوازدهم و یازدهم تا حدودی در دستور کار قرار گرفته. بسته رونقی که طراحی کردند اما به نتیجه نرسید. ایراد کار کجا بود؟

ایراد کار به این دلیل بود که تولیدکنندگان لزوماً در اشتغال کامل عمل نمی‌کردند. یعنی اینطور نبود که تمام ظرفیت کارخانه کار کند، شاغلان زیادی داشته باشند و فقط کالا در انبار داشته باشند. تولیدکننده مدعی بود که همین یک سومی هم که تولید می‌کند مورد تقاضا در بازار نیست و دولت خواست از طریق همان بسته که فرمودید یک مقداری برای همین واحدهای تولید شده که بخاطر فقر عمومی تقاضا برایش نبود، یک تقاضا ایجاد کند. البته مشکلات دیگری در کنار تولید هست، مانند بخش سیاسی و موارد دیگر که باید به حساب آید.

پس به نظر شما چیزی که دولت پیشنهاد داد و موفقیتی هم نداشت، راهکار سریعی بود برای اینکه معضل تولیدکننده در آن مقطع زمانی مرتفع شود؟ بله به نظر من با هدف کمک به تولیدکننده بود اما چون سیستمی دیده نشده بود و مشکلات غیر محیط تولید هم دیده نشده بود جواب نداد.

اشاره کردید که به بخش مصرف‌کننده هم می‌توان تسهیلاتی داد، این موضوع تا چه حد شبیه بحث‌هایی است تسهیلاتی داده شود تا افراد بتوانند وارد خرجه تولید شوند؟ این‌ها دو حوزه جدا هستند. اما کارکرد مشترک دارند. به عنوان مثال بنده دانشگاهی هستم و شما روزنامه‌نگار، یک نفر جراح و یک نفر کاسب؛ این‌ها به خاطر اینکه خرید کنند، امکانات ندارند اما تصمیم ندارند که شغلشان را عوض کنند و مثلاً چیزی به‌ای تهیه کنند. لذا این تسهیلات ضرورت ندارد که به کار جدید بیانجامد. باید تقاضا برای همان تولیدکنندگان باشد. اما یکی می‌خواهد شغلش را عوض کند یا بیکاری که، در جستجوی یک کار مولد است بدیهی است که در بخش تولید قرار می‌گیرند و باید تسهیلات تولیدی بگیرند.

لزمه فکر نمی‌کنند و به اصلاحات بلندمدت فکر می‌کنند. چنین دولتی در کوتاه‌مدتی که هست مدام تلاش می‌کند که جامعه تولیدکننده باشد. یعنی زمینه‌هایی برای تولید جامعه را فراهم می‌کند و موانع را برطرف می‌کند. چنین جامعه‌ای به تدریج درآمدش بالا رفته و درآمد سرانه افراد نیز افزایش پیدا می‌کند. آدم‌ها در بلندمدت به تدریج که درآمد سرانه‌شان افزایش پیدا می‌کند سبک و شیوه زندگی‌شان را آنطور که خودشان و فرهنگشان ایجاب می‌کند متحول می‌کنند.

**تشویق بخش تقاضا**

در اکثر برنامه‌ریزی و تسهیلاتی که به بخش تولید اختصاص داده می‌شود مربوط به حوزه تولید و خدمات است و هیچ توجهی به تقویت بازارها نمی‌شود. توجه به بخش مصرف برای تقویت آنکه بتواند بهای بیشتری به محصول تولیدی داده شود. این مساله را چطور می‌توان مطرح کرد؟

اینجا دو موضوع مطرح می‌شود. اول اینکه هر تولیدکننده در جای خود مصرف‌کننده هم هست. یعنی مصرف‌کننده‌ها و تولیدکننده‌ها یک گروه هستند. صبح در مزرعه و کارخانه نقش تولیدکننده را دارد و بواسطه حقوقی که می‌گیرد در خانواده نقش خریدار و مصرف‌کننده را دارد. اگر واقعاً به بخش تولید به نحوی رسیدگی شود که این تولید برای آن بصره باشد در واقع به مصرف‌کننده هم که خود او بوده توجه شده است چون درآمدش بالا می‌رود، بنگاه تعطیل نمی‌شود و کارگر بیکار نمی‌شود. کارگر کار می‌کند و مزد می‌گیرد و آن مزد را خرید می‌کند. اگر تسهیلی در بازار تولید بوجود بیاید عملاً بخشی از دغدغه شما

قیمت‌ها و شرایطی که وجود دارد برای فصل آینده و سال آینده خودش برنامه‌ریزی کند و تصمیم بگیرد. این فعالیتی است که به هر دلیلی در دولت‌ها از آن غفلت شده و در عمل برخی بنگاه‌های تولیدی همه هستی خود را وسط می‌گذارند ولی همیشه این آمادگی را دارند که در ریسک یک اتفاق ناگهانی را باید بپذیرند و این مقوله انگیزه‌ها را به‌طور طبیعی کم می‌کند.

**مشخصات دولت توسعه نگر**

به دولت توسعه‌ای اشاره کردید؛ از نظر شما دولت توسعه‌ای چه شاخصه‌ای باید داشته باشد و دولت‌های ما در مقاطع مختلف تا چه اندازه توانسته‌اند این شاخصه‌ها را برآورده کنند و به دولت توسعه‌ای نزدیک شده یا چه زمانی بیشترین فاصله را داشته‌اند؟ منظور من از دولت توسعه‌ای دولتی است که به‌طور مشخص بر کلمه «تغییر» تکیه دارد. این دولت تغییراتی را در سبک زندگی مردم، در درآمدی‌شان، دیدگاه‌یشان و حتی در ترجیحات مردم که چه انتخاب کنند و به چه علاقه‌مند باشند، برای بلندمدت دنبال کند. یعنی هر دولتی که هست صرف نظر از دوره چهار ساله یا هشت ساله‌ای که حضور دارد اقدامات خود را متوجه این موضوع کند که کارهایی که انجام می‌دهد باید در جامعه سبب یک تغییرات بلندمدت باشد. به این معنا است که دولت توسعه‌ای لزوماً دولت زودنگر و پیش‌رانگر نیست. ضمن اینکه به مسائل امروز می‌پردازد اما دنبال رصد کردن ردپای مسائل امروز در آینده است. بنابراین دولتی می‌شود که هدفمند تصمیم می‌گیرد، برای خوش آمدن و آن تصمیم نمی‌گیرد، به بقای خودش

بالاتری در اقتصاد کشور داشته باشد. یکی از ضعف‌هایی که در بحث بنگاه‌های کوچک و متوسط احساس می‌شود این موضوع است که این واحدها هیچ پیش‌بینی نسبت به آینده یا به فضای کسب و کار ندارند و عموماً زمانی متوجه این مشکل و ضعف می‌شوند که یک مشکل اقتصادی کلان‌تری با بحران‌های ارزی و یا یک چنین مسایلی پیش بیاید. این موضوع باعث می‌شود که بخشی از واحدهای تولیدی زیر بار قرض رفته یا صحنه تولید را به کل ترک کنند. ارزیابی شما راجع به این معضل چگونه است؟ و اینکه چه راهکاری برای حل این قضیه می‌توانیم داشته باشیم؟ با این حرف‌ها به‌طور اصولی می‌شود موافق بود، یعنی بنگاه‌های کوچک این وضعیت را تجربه می‌کنند. هرچند در شرایط دوده اخیر ایران این صحبت‌ها خیلی موضوعیت نداشته باشد، بخاطر اینکه مشکلات کلان استمرار پیدا کرده و صاحبان این بنگاه‌ها هم مقروض گرفته‌اند که این مسائل وجود دارد. به نظر من مساله برمی‌گردد به وظیفه ستادی دولت از طریق وزارتخانه‌هایی که متولی این کار هستند. اینکه می‌گویند دولت باید دولت توسعه‌ای باشد و مذاخله‌گر نباشد؛ اتفاقاً معنایش همین است که ضمن اینکه وارد صحنه است و اقداماتی به‌رفع تولید می‌کند این اقدامات از جنس اقداماتی باید باشد که بخش خصوصی نمی‌تواند انجام دهد. در حقیقت دولت انتظار می‌رود که اطلاعات باصلاح درستی را در اختیار تولیدکننده قرار دهد. کاری که به‌عنوان یک فعالیت کلان از دولت برمی‌آید اما از یک بنگاه کوچک در نقطه‌ای دورافتاده کشور بر نمی‌آید تا آن بتواند بر اساس وضعیت بازار، عرضه و تقاضا،

**ضعف مزمن بنگاه‌ها**

واحدهای تولیدی کوچک و متوسط بخش مهمی از فضای اقتصاد را تشکیل می‌دهند، بخشی که می‌تواند کارایی بیشتری و سهم

**جبران کاهش قدرت خرید، با راهکارهای ضد تورمی**

بیشتر شود، قیمت تمام‌شده محصولات برای تولیدکنندگان هم بیشتر می‌شود و همین مسئله در نهایت باعث ایجاد تورم و افزایش قیمت محصولات هم خواهد شد.

**تصمیمی که تبعات آن از پیامدهایش بیشتر است**

افزایش حقوق و دستمزد نه تنها نمی‌تواند سید میشتی مزدبگیران را از گزند تورم نجات دهد، بلکه خود موتور محرکه‌ای برای افزایش هزینه‌های مزدبگیران خواهد شد. به عبارتی به عبارتی دولت به‌جای آنکه سیاست‌های معطوف به تأمین اجتماعی در کنار افزایش سقف معافیت مالیات بر درآمد مزدبگیران، کسرها هزینه‌های دیگر از طریق سیاست‌های حمایتی در نظر بگیرد، راه ساده‌اما پرریسکی را انتخاب می‌کند که تبعات آن از پیامدهای مثبتش بیشتر است.

داشت؛ وضعیتی که فشار افزایش نرخ تورم را بر مصرف‌کنندگان و خانوارهای مزدبگیر تحمیل خواهد کرد. به عبارت دیگر، در پی افزایش دستمزدها سطح عمومی قیمت‌ها افزایش خواهد یافت، لذا متعاقب آن به‌منظور ارتقاء قدرت خرید خانوارهای مزدبگیر مجدداً درخواست افزایش حقوق و دستمزد مطرح خواهد شد. این کارشناسان اقتصادی، افزایش حقوق و دستمزد را به شیوه کنونی و در پی التهاب تورمی رمارپیچ تورمی دستمزد-قیمت ایران تکرار شده و به‌خوبی مشاهده‌شده که قدرت خرید مزدبگیران هیچگاه افزایش یافته حتی حفظ نمی‌شود. محمود باعجر - استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، با اشاره به نظریه ماری پیورج تورمی دستمزد و قیمت اظهار کرد: واقعیت این است که هر چه دستمزدها



را افزایش داده و به‌نوعی انگیزه‌های تولید و امنیت خاطر سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان را با خطر مواجه می‌کند. در چنین شرایطی با توجه به رشد اندک بهره‌وری نیروی کار در مقایسه با رشد دستمزدها از یک سو و روش پایین بهره‌وری سرمایه از طرفی دیگر هزینه فرصت نگهداری سرمایه در امر تولید افزایش می‌یابد و این امر از طریق افزایش قیمت تمام‌شده محصولات متعاقباً بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها را به دنبال خواهد

این شیوه را از دولت‌ها درخواست کرده بودند. آنطور که کارشناسان گفته‌اند: دولت به‌جای افزایش میزان حقوق و دستمزدها، سیاست‌های رفاهی با رویکرد تأمین اجتماعی و جبران قدرت خرید به شیوه‌های جایگزین را مدنظر قرار دهد.

**اثرگذاری افزایش حقوق بر سه عامل ایجاد تورم**

به گفته کارشناسان افزایش حقوق و دستمزدها، بر سه عامل ایجادکننده تورم اثرگذار است. فشار تقاضا، فشار هزینه و انتظارات تورمی، هر کدام سهم عمده‌ای در ایجاد تورم دارند.

**فشار هزینه‌ای و ایجا تورم**

بر اساس مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، افزایش اسمی حقوق و دستمزد بدون توجه به افزایش بهره‌وری، هزینه‌های تولید

اظهارات دست‌اندرکاران دولتی درباره افزایش احتمالی دوباره میزان حقوق و دستمزد، واکنش منفی اغلب کارشناسان اقتصادی را در پی داشته است. در پی افزایش بی‌سابقه نرخ رشد برگران شدن کالاهای اساسی و به‌تبع آن کاهش قدرت خرید خانوارهای مزدبگیر، برخی مدیران ارشد دولتی از احتمال افزایش میزان حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران خبر داده‌اند.

**تبعات افزایش حقوق و توصیه کارشناسان**

کارشناسان اقتصادی، تشدید تورم را از تبعات این اقدام اعلام کرده‌اند؛ همان‌طور که پیش‌ازاین نیز نسبت به افزایش سالانه حقوق و دستمزدها به‌رشد فعلی انتقاد داشته و سیاست‌های جایگزین و اصلاح